

محمد عبدالله عنان

## میراث فکری آندلس و کتابخانه اسکوریال

ترجمه علی محدث

### کتابخانه اموی

برای پی بردن به اهمیت میراث فکری آندلس لازم است به دورانیهای خلافت آندلسی بازگردیم ، آنگاه که حرکت فکری در آندلس رونق یافته ، و ثمرات اندیشه آندلسی با بدایع آثار خود غرب اسلامی را در همه رشته‌های علوم و آداب فرا گرفته بود . و کتابخانه بزرگ اموی ایجاد شده بود که کتب آن منحصر به تفکر آندلسی نبود ، بلکه ثمرات اندیشه اسلامی را در شرق و غرب دربر داشت .

ذکر کتابخانه بزرگ اموی بگونه خاصی با دوره مستنصر فرزند عبدالرحمن ناصر مقارن است . در دوره او ( ۹۶۱-۹۷۶ م ) کتابخانه وسعت عظیمی یافت ، بطوریکه از صورت کتبخانه خصوصی یک کاخ به کتابخانه ملی بزرگی مبدل شد ، و از حیث انبوهی کتب و گونه‌گون بودن محتویات آن از بزرگترین کتابخانه‌های قرون وسطی گشت .

بزرگترین عامل توسعه و عظمت یافتن این کتابخانه را باید شخصیت " حکم مستنصر " و صفات ممتاز علمی ، و عشق شدید او به گردآوری کتب دانست ، که برخی از مورخان آندلسی متذکر آن گشته‌اند . این عشق بزرگترین عامل پر نمودن خزائن آندلس از نفایس کتب از هر فنی و از هر ناحیه‌ای از نواحی جهان اسلامی بوده است .

در تعداد کتب این کتابخانه اقوال مختلفی یاد شده است ، برخی از مورخان شماره آن را چهارصد هزار و بعضی دیگر ششصد هزار محلد دانسته‌اند . بجز کتابخانه عظیم قرطبه در دیگر شهرهای عمده آندلس حدود هفتاد کتابخانه موجود بود . و این به‌تنهایی اندازه پیشرفت عظیم و حرکت فکری آندلس را در آن دوره درخشان نشان میدهد .

### پراکنده شدن کتابهای کتبخانه بزرگ قرطبه

چیزی نگذشت که این میراث عظیم فکری دچار دستبرد حوادث روزگار شد . در سال ۴۰۰ هجری ( ۱۰۰۹ م ) فتنه بزرگی بوقوع پیوست که یکی از حوادث آن محاصره قرطبه توسط بربرها بود . اکثر ذخائر و کتب آن کتابخانه در طول محاصره از آنجا بیرون برده شد ، و بفرمان " واضح " غلام منصورین ابی عامر فروخته شد ، و هنگامی که قرطبه بچنگ بربرها افتاد بقیه آن کتابها بغارت رفت . و در مدتی اندک ذخائر کتابخانه بزرگی که خلفای آندلس در دورانیهای متوالی در ایجاد و گسترش آن کوشیده بودند چنین پراکنده گشت .

### اندیشه آندلسی دوباره رونق میگیرد

با اینهمه بیشتر این میراث بزرگند شده در داخل شبه جزیره آندلس باقی ماند، و امرای طوایف بسیاری از آنها را گردآوری نمودند، و کتابهای دیگری بر آنها افزودند. در فترت کوتاهی که امرای طوایف حکم می‌راندند، آداب آندلسی خصوصا در دولت بنی‌عباد در اشبیلیه و بنی‌افطس در بطلیوس و بنی صمادج در مریه رشد یافت. جریان تفکر آندلسی در دوره حکومت مراطین و موحدین اگرچه در برخی نواحی خاموش شد، و هرچند گاهی نیز دستخوش انقلابات و حوادث بی‌درپی قرار گرفت ولی از حرکت باز نماند. شهرهای عمده آندلس همیشه پر از کتبخانه‌های خصوصی بود، و هر زمان که یکی از آن مراکز بدست مسیحیان می‌افتاد گنجینه‌های فکری آن به شهرهای دیگر منتقل میگشت، تا آنکه اکثر مراکز بزرگ چون قرطبه و اشبیلیه و بلنسیه و مرسیه و غیر آنها بدست اسپانیایی‌ها افتاد، و در اوائل سده هفتم هجری (سیزدهم میلادی) فتنه‌های فراگیر سراسر آندلس را فراگرفت، و سرانجام پس از حوادث و تحولات مهمی به قیام کشور کوچک اسلامی غرناطه بر ویرانه‌های آندلس بزرگ منتهی گشت. این کشور در قسمت جنوبی شبه جزیره اسپانیا بین رود ودای بزرگ و دریانزدیک ساحل مغرب برپا شد تا هنگام خطر بتواند بآن پناه جوید. قضا چنین خواست که این آندلس کوچک قیام کرده و بدرخشد، و دولت اندیشه و ادب را بار دیگر در آندلس برپا دارد.

### آخرین مرحله از نهضت اندیشه آندلسی

می‌توان گفت که این مرحله اخیر از نهضت تفکر آندلسی از پربارترین مراحل اندیشه آندلس بوده است. این دوره شخصیت‌های بارزی در زمینه‌های مختلف علوم پرورده، بطوریکه کشور کوچک غرناطه را ودیعت گاه پرباری برای میراث آندلسی ساخته است. و معروف است که خزائن آندلس بزرگ و آنچه از میراث علمی و هنری آن باقی مانده، پس از آن فتنه بزرگ به کشور غرناطه منتقل شده و مدتی در آنجا جایگزین گشته، و در طول زمان نیز از ناحیه بزرگان اندیشه و ادب غرناطه اندوخته‌های دیگری بدانها افزوده شده است.

### توده‌های عظیمی از کتب اسلامی را اسپانیایی‌ها در غرناطه آتش زدند

شهر غرناطه و دیگر مراکز آندلس مثل "وادی آش" ولو شه و فالغه و بسطه و مریه و غیر آنها پیر از کتبخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی گوناگون بود. در آن هنگام که فردیناند و ایزابلا دو پادشاه اسپانیای متحد نبرد سخت خود را برای پایان دادن کار غرناطه آغاز کرده بودند، در آن زمانه دردناک که اهالی آندلس دانسته بودند که سرنوشت خود و وطن و دینشان به سرپنجه قضا بلسرزه افتاده است، بسیاری از ایشان وطن قدیم را ترک گفته از دریا گذشتند و یا بساحل مغرب نهادند، و بسیاری از آنان کتابهایشان را نیز با خود بردند، اما مقادیر عظیمی از ذخائر فکری آندلس در مخازن خصوصی خود در غرناطه و غیر آن باقی ماند. و چون غرناطه آخرین پایتخت آندلس بدست اسپانیایی‌ها افتاد (ژانویه ۱۴۹۲ م) و دولت اسلام در آندلس منقرض گشت، و بقیه اهالی آندلس بزرگ چون بردگانی زیر سلطه اسپانیایی‌ها افتادند، هیچ در دلشان خطور نمی‌کرد که سیاست اسپانیا

چه نقشه‌های دور و درازی برای نابود ساختن وطن و دین و میراث و همه ارزشهای مدنی و معنوی ایشان به مرحله اجرا درخواهد آورد. اما سیاست اسپانیا شروع به تحمیل روشهای زورگویانه بر فرزندان ملت مغلوب کرد.

سپس کاردینال خمینیس مجری آن سیاست، عمل خود را با طرح ویرانگر دیگری همراه نمود، و آن گردآوری هرچه ممکن کتب عربی از اهالی غرناطه و نواحی آن بود، و توده‌های عظیمی از کتاب را در میدان "باب الرملة" بزرگترین میدان شهر گرد آورد، که در بین آنها بسیاری از قرآنهاي تذهیب‌کاری شده و هزاران مجلد از کتب آداب و علوم بود. در همه آنها آتش افروختند و بجز سیصد مجلد از کتب طب و علوم همه را نابود ساختند. آن سیصد جلد را به دانشگاهی که در قلعه "هنارس" ایجاد کرده بود حمل نمودند. دهها هزار جلد از کتب عربی که چکیده، باقیمانده، اندیشه اسلامی در آن‌دلس بود بدینگونه قربانی چنین عمل وحشیانه‌ای گشت.

#### داستان کتابخانه اسکوریال

اسپانیا سیاست خود را در مورد گردآوری کتب عربی پس از عمل خمینیس ادامه داد، در طول نیمه اول سده شانزدهم بسیاری از کتب عربی از غرناطه و دیگر مراکز قدیم آن‌دلس، خصوصاً بلنسیه و مرسیه جمع‌آوری شد، چه نزد مورسکیان و عرب مغلوب مجموعه‌های بزرگی از آنها موجود بود، اما این بار آنها را نابود نکردند و نسوزاندند، بلکه در ایام پادشاه فیلیپ دوم به کتابخانه سلطنتی در اسکوریال منتقل نمودند.

در سال ۱۶۱۲ م حادثه‌ای اتفاق افتاد که بر اثر آن بر تعداد کتابهای کتابخانه اسکوریال افزوده شد. باین ترتیب که یک ناوگان اسپانیایی بفرماندهی "دون بیدرودی لارا" در آبهای مغرب به گشت‌زنی مشغول بود، که ناگهان با قافله‌ای از کشتی‌های مغربی که مولای زیدان حسنی پادشاه مغرب را همراهی میکرد و یکی از آنها بر از اشیای قیمتی از جمله حدود سه هزار جلد از کتب فلسفی و ادبی و دینی بود برخورد نمود. اسپانیایی‌ها آنها را بتصرف درآوردند. این کتابها از کتب کتابخانه مشهور زیدانی بود، و مولای زیدان بر اثر فشار مخالفان خود ناگزیر شده بود پایتخت مراکش را ترک گفته، اشیای گران‌قیمت و کتب خود را نیز با خود ببرد، اسپانیایی‌ها بدینگونه آنها را بتصرف درآوردند و بعنوان غنیمت به قصر اسکوریال بردند، و باین ترتیب کتابهای عربی در اسکوریال در اوائل سده هفدهم بحدود ده هزار مجلد رسید.

#### آتش‌سوزی در اسکوریال اکثر کتب اسلامی را نابود کرد

این ده هزار مخطوط آن‌دلسی و مغربی نیم قرن در کاخ اسکوریال باقی بود، و غنی‌ترین و نفیس‌ترین کتابخانه از نوع خود در اسپانیا و در همه اروپا بود. اما بلای جدیدی بر این ته‌مانده میراث فکری آن‌دلس فرود آمد. در سال ۱۶۷۱ کاخ اسکوریال آتش گرفت و بیشتر این گنج یگانه سوخت، و بجز دو هزار جلد که اکنون در شستانهای اسکوریال موجود است بقیه نابود گشت.

باقی مانده میراث اندیشه آن‌دلسی با آنچه از بقایای کتابخانه زیدانی مانده است همانست که دانشمند لبنانی میخائیل غزیری از طرف دولت اسپانیا به تحقیق آنها پرداخته و فهرست مشهور

خود را به لاتینی *Bibliotheca Arabico - Hispana Escorialensis* در دو مجلد بزرگ در باره آنها تألیف نموده است. انتشار جلد اول آن بسال ۱۷۶۰ و جلد دوم در سال ۱۷۷۰ بوده است. جلد اول شامل ابواب نحو و علوم لغت و شعر و فلسفه و اخلاق و سیاست و طب و تاریخ طبیعی و علوم ریاضی و هیئت و هندسه و فقه و علوم دینی و قرآنی است. تعداد کتابهایی که در این ابواب معرفی شده ۱۶۲۸ کتاب است. مجلد دوم شامل دو باب جغرافیا و تاریخ است و تعداد کتب این جلد تا شماره ۱۸۵۱ ادامه می‌یابد، و این آخر کتابهایی است که غزیری شناسانده است. بعلاوه اینها حدود صد کتاب دیگر موجود است که در فهرست غزیری معرفی نشده، و باین ترتیب مجموعه آندلسی اسکوریال بحدود دوهزار کتاب میرسد.

در بین مجموعه اسکوریالی تعداد زیادی از کتب کتابخانه زیدانی موجود است که غزیری حاجبا در فهرست خود نشان داده است، و می‌گوید که آنها از کتابهای کتبخانه سلطنتی سابق مغرب است.

برخی از آن کتب با خطوط طلائی نوشته شده و جلدهای گران قیمتی دارند که اکنون هم باهمان طراوت سلطنتی محفوظ می‌باشند.

### کوشش برخی از پادشاهان مغرب برای بازگرداندن کتابها از آندلس

شاهان مغرب کتابهای آندلسی را فراموش نکردند، خصوصا کتابهای کتابخانه زیدانی را که در دریا از آنان غارت شده بود، و برای بازپس گرفتن آنها چندین بار بطور رسمی اقداماتی نمودند. در سال ۱۱۰۲ هـ (۱۶۹۰ م) مولای اسماعیل پادشاه بزرگ مغرب سفیر خود "وزیر محمد بن عبدالوهاب غسانی" را نزد کارلوس دوم پادشاه اسپانیا فرستاد تا مأموریت دوجانبه‌ای را انجام دهد، اقدام برای تبادل اسیران و کوشش برای بازپس گرفتن کتابهای عربی، و چون آتش‌سوزی اسکوریال حدود بیست سال پیش از ورود وزیر به اسپانیا صورت گرفته بود، لذا اسپانیایی‌ها به وزیر چنین وانمود کردند که آتش همه کتب عربی را سوزانده است، و حقیقت آنچه از کتابها باقی مانده بود از او پنهان نمودند. وزیر چون به دیدن کاخ اسکوریال رفت و آثار حریق را در کتابخانه مشاهده کرد، گفته اسپانیایی‌ها را پذیرفت و به عقد قرارداد برای آزادی اسیران اکتفا نمود.

حدود ۸۰ سال پس از آن مولای محمد بن عبدالله پادشاه مغرب کاتب خود احمد بن مهدی غزال را بسال ۱۱۷۹ هـ (۱۷۶۶ م) به سفارت مشابهی نزد کارلوس سوم پادشاه اسپانیا فرستاد، که موضوع آن همچنین پیرامون آزاد کردن اسرا و بازپس گرفتن کتب عربی دور میزد. سفیر مغرب توانست قرارداد رضایت‌بخشی با دولت اسپانیا برای مبادله اسرا ببندد و همچنین مقادیر اندکی از کتب عربی را که از مادرید و غرناطه برای او گردآوری شد بازپس بگیرد. اما اسپانیایی‌ها حقیقت امر را در آنچه مربوط به مجموعه اسکوریال بود همچنانکه بر سلف او وزیر غسانی پنهان نموده بودند، از او نیز پنهان کردند.